

## کسی آمد که ناکس بود

[sirzade@yahoo.de](mailto:sirzade@yahoo.de)

خوابگرد که بودیم

کسی آمد

کسی که مثل هیچکس نبود کس نبود

کسی که مثل خودش بود

در سرماخیز برفی فصلی پُر آتش

از نفس نفس هُرم تن ها و هیاهوهای تفتیده ی خروش حنجره ها

چون گول هول

بر شرار خشمی خموش و دیرسال فرود آمد

خوابگرد که بودیم

کسی آمد

کسی که مثل هیچکس نبود

کسی که از کفش و کلاه و کت و شلوار و دامن کراوات و یقه ی پیراهن

و هر آنچه که بویی از تراوت داشت هراسان بود

کسی که وزیدن شانه های نسیم را

بر گیسوان شلال

حرام می پنداشت

کسی که مثل هول از قعر ابرهای سَنَرَوَن

آتشیرق سموم باد های پرسه گرد پَریشان را

بر کاهدان بافته های خوش خیالی ی ما انداخت

هزاران هزار سلسله جنبان عاشق عشق

هزاران هزار این مباد آن باد گوی تازه گلو

آونگ دارهای پَریشان ترس او گشتند

خوابگرد که بودیم کسی آمد

کسی که مثل هیچکس نبود کس نبود ناکس بود

خلایق

در ماه شب چهارده زیارت اش کردند

و شاعران سنگ قبور در بیان بزرگی اش

غزل و قصیده و چکامه و چهارپاره

در دم عطر و گلاب و باده و گیسو

در رد عیش و عشق و طرب و ترانه

با قافیه های جورواجور اما

باردیف واژه ی هیچ - که در هوا ادا شده بود -

سرودند

خوابگرد که باشیم

باز ناکسی خواهد آمد

که کفش و کلاه و پیراهن و دامن و ... و ... و .... را

با مارک های معروف و گران می شناسد

پره های بینی اش با بوی تر ادوکلن عجیب آشناست

با قاچ خربزه در اطو رابطه اش خوب است  
خُرمتِ عرق پنجاه و پنج را پاس می دارد  
دوآتشه ی میکده و بیست و یک خُلاز و کنیاک سه ستاره ی بدون اسانس یزد و ... و ... و  
که جای خود دارند  
و دیگر لامپِ هیچ خانه ای با عرق دست ساز خاموش نمی شود  
رابطه اش با خوابِ ما از نوع مستقیم برقرار می کند  
و قرص های خوابِ زمانبندی شده  
در اندازه های مناسب و بسته بندی های زیبا  
به ارمغان می آورَد

زحمت خواندن لالایی را  
از دوش حنجره ی خسته ی مادران برمی دارد  
صدای اذان را با موسیقی پاپ آشتی می دهد  
و غم تحریری ردیف ها را رنگِ شادِ رپ می زند  
و چه بسیار و بسیار و بسیارها

خوابگرد که بودیم کسی آمد  
کسی که مثل هیچکس نبود ناکس بود  
خوابگرد که باشیم کسی می آید  
نه ناکسی می آید  
دوباره در اوج شوق کودکانه ی ما خانه می کند  
و باز روزنه های ترنم و دریچه های رو به باغ آبادی آزادی بسته می مانند